

تاریخ

اسدالله بادامچیان در گفت‌وگو با «همدلی»:

رویکردبازاریان موتلفه‌تعاملی بود

همدلی |**اساین شجاع‌پوریان**: «**اسدالله بادامچیان**» یکی از بازمانده‌های موتلفه‌های **های بازار تهران در دوران اوج مبارزه و همراهی بازاریان با نهضت انقلاب اسلامی است. دبیرکل موتلفه اسلامی در گفت‌وگویی با «همدلی» درباره بازار قدیم و بازار روز به سسئوالات مطرح شده پاسخ گفت که در ادامه می‌خوانید:**

■ **تعریف کلی‌تان از بازار چیست؟**

بازار را با مفاهیم متفاوتی می‌توان تعریف کرد. بازار به‌معنی بازارهای سرپوشیده، بازار به‌معنی اقتصاد کشور که می‌توان به «بازار ایران» و «بازار هند» اشاره کرد. بازار به معنی بخشی از جامعه که در کار خرید و فروش فعالیت دارد. البته واژه بازار تا دوران قاجاریه، به اماکن محوری اقتصاد کشور اطلاق می‌شد. در واقع از زمان آغاز عصر قاجاریه که نفوذ و سلطه‌تعلیمی استعماری غرب به‌ویژه انگلستان به ایران راه یافت و خطر سلطه بیگانگان غارتگر و استعمارگر شروع شد و شدت یافت، اقتصاد مستقل ایران مورد تهاجم استعماری قرار گرفت و بازار ایران در تقابل با توطئه‌ها و ترفندهای استیکبار غرب به مقاومت روی آورد. در حالی‌که حاکمان بی‌عرضه و فاسد و آلوده قاجار به‌سازش با بیگانه و عقب‌نشینی‌ها مشغول شدند. در چنین فضایی، مردم به روحانیت پناه برده و جبهه مقابل استعمار با حضور روحانیت و مردم و بازار تشکیل شد که برابر جبهه فراماسوئری و روشنفکری و سلطه‌گران استعماری و خود فروخته‌های داخلی به‌نبردی مستمرروی آوردند.مانند نهضت‌تنباکو،نهضت

مشروطه اسلامی، نهضت تنگستان، نهضت جنگل، نهضت ملی‌شدن نفت که در تمام آنها بازار اسلامی ایران یک نقطه محوری و نقش‌آفرین بود که مرکزیت بازارهای سراسری کشور را به‌عهده داشت.
بازار تهران مشخصا چه نقشی در مشروطه داشت؟
نهضت مشروطه برای نجابت ملت و کشور از استبداد بی‌رحم حاکمان وابسته به استعمار قاجاری بود که به رهربری روحانیت و حضور توده‌های ملت در بخش اول به پیروزی رسید و نظام سلطنت استبدادی را به نظام سلطنتی مشروطه تبدیل کرد. لکن درباریان مرتجع و فاسد و روشنفکران غرب‌زده و به‌ویژه روشنفکران فراماسونر چپ و غربی‌مآند حیدر عمواوغلی و فتحعلی‌آخوندزاده و ملکم‌خان نگذاشتند مشروطه به هدف ایجاد مجلس اسلامی برسد و نظام تقلیدی از غرب را بر ایران مسلط کردند که جزء هرج و مرج و بی‌بند و باری و فساد و ناتوانی حاکمان قاجار و اقتصادی ویران نتیجه‌های نداشت. در این بین،بازار که بیشترین صدمات را از هر نظر می‌دید، می‌کوشید بقایای اقتصاد ایران را حفظ کند با حاکمان فاسد بچنگد و از هر حرکت آزادی‌بخش حمایت کند که روزگاری سخت برای بازاریان گذشت. در چنین موقعیتی، انگلستان دست به توطئه‌های جدید زد و رضاخان و سیدضیا را که هسر دو نوکر انگلیس بودند، با همدستی شبکه فراماسونری و درباریان خائن، به‌حکومت رساند. بعد از آن، آستنباد و دیکتاتوری تیره و خونبار و خیانت و جنایت رضاخانی، آزادی‌ها را کشت و آزادی‌خواهان را از بین برد یا لب آنها را دوخت و نفت و

ثروت ملی را به‌غارت انگلستان داد. در آن فضا، در برابر رضاخان،روحانیت‌ومتدینین وبازاری‌هایایستاندن‌وزنج‌ها کشیده و قلدری‌ها و زورگویی‌ها را تحمل کردند تا اوضاع بین‌المللی، وضعیت را دگرگون کرد و رضاخان از وحشت تکه‌تکه شدن توسط مردم به اوباش انگلستان و رئیس فراماسونری انگلیسی در ایران یعنی فروغي‌ذکاءالملک پناه برد و آنها خان را از ایران برند که در خارج دیوانه شدو در بدیختی و ذلت مرد. بعد از آن، پسرش را متفقین بر سر کار آوردند و دوباره حکومت ایران به‌دست مزدوران غرب‌زده، درباریان فاسد و دزد و شبکه‌های فراماسونری افتاد. البته آن روزها ملت برخاسته بود و بازار و روحانیت سردمداران مبارزه بودند تا بتوان این‌طور گفت، بازارها از جمله بازار تهران در مشروطه و نهضت تنباکو و همه نهضت‌های ضداستعماری و ضداستبدادی نقشی مؤثر از نظر تامین زیرنه‌های مبارزه و حفظ استقلال و اقتصادی در حد ممکن و مبارزه برای سرنگونی استبداد و سلطه استعماری داشتند.

■ **می‌توان گفت، رابطه بازار با روحانیت نسبت به‌قدیم کمرنگ‌تر شده‌است؟**

بازار همواره از قاجار تا سرنگونی پهلوی، با روحانیت اصیل و مبارز ارتباطی تنگاتنگ داشتند و با ملت هم همراه بودند. هنوز هم برابر استعمار با نیروهای ضداستیکبار و طرفدار استقلال و آزادی که از مؤثرترین آنها روحانیت عالی‌اسلام است، رابطه‌ای قوی و بسیار صمیمی دارند.

■ **نقش بازار در انقلاب چگونه بود؟**

قطعا نقش بازار اسلامی را در توفیق انقلاب اسلامی،

قدرت، منزلت، ثروت

تحلیلی درباره جایگاه و تاثیر گذاری بازار



در حالت اول کالای یک را دارید و

در بازار آن را به فروش رسانده و تبدیل به پول می‌کنید. پول را می‌دهید و کالای دو را می‌خرید. این رفتار دلدوستد عرضه در بازار است. اما بازاری پول یک دارد که این پول را به کالا تبدیل کرده و کالا را به پول دو تبدیل می‌کند. فرقی این است که کالا را ارزان می‌خرد و گران می‌فروشد. توسعه و شکل‌گیری این گروه اجتماعی که در دنیا ایجاد شده دو شکل کاملا متمایز دارد. شکل جهان سرمایه‌داری‌اش این است که در عصر انقلاب صنعتی آغاز می‌شود.

رعیت کارگری که برای ارباب کار می‌کند، دهقان هم کشاورز آزاد است. ما آدم ثروتمندان رباب و خان و سیمنیور داریم و آدم بسیار ضعیف داریم مثل مثل رعیت و دهقان که طبقه زیر هستند. چیزی به نام طبقه متوسط وجود ندارد. اما الان کشورها به مرور با شکل‌گیری طبقه بازار در کنار شکل‌گیری طبقه پیشروان که آنها هم آدم‌هایی هستند که در ابعاد کوچکتر هدایت می‌کنند، یک دوره شکل‌گیری طبقه متوسط در کشورهای توسعه یافته داریم. اما در کشورهای توسعه یافته همان طبقه متوسط هم ایجاد نمی‌شود. یعنی در واقع بازار در کشوری مثل کشور ما، نقش کلیدی دارد و به عنوان اولین شکل‌دهنده طبقه متوسط مطرح است. در حالی که در کشورهای دیگر بازار در کنار صنعت‌گران کوچک و متوسط است. در واقع یک آدم که کارگر ساده و یک ورکر است. کسی که سرمایه‌دار صنعتی است، بورژواست و آنچه صاحب‌اش است، فاکتوری یا همان کارخانه است. اما بین این دو طبقه یک طبقه متشکل از کارگاه‌های تولیدی در کشورهای توسعه یافته است که صاحبش شده که نه به اندازه بورژوا پولدار و نه به اندازه کارگرها بی‌پول است. اما این را در ایران نداشتیم و از دوره صفویه، بازار شکل خاص خودش را می‌گیرد و اوج شکوفایی بازار و قدرت‌ش را در انقلاب مشروطه می‌بینیم که بازاریان مشخص‌ترین و مبارزترین تاثیرگذاران در انقلاب مشروطه بودند و به عنوان آغازکننده طبقه متوسط در ایران جنبش مشروطه را دامن می‌زنند. خود جنبش مشروطه که جریان ورود الگوهای غربی زندگی ماست، یک طبقه متوسط جدیدی ایجاد می‌کند که امروز دیگر آن طبقه جدید، طبقه بازار نیست.

باز به همان مکانیزم اعمال قدرت بر می‌گردم، دیدیم که جایی کشنده، تنبیه دهنده و کیفردهنده بود. از یک جایی به بعد این اعمال قدرت، پاداش دهنده می‌شود. یعنی این بار کسی که قدرت را اعمال می‌کند، به جای اینکه مخاطب خودش را برساند، قدرت کیفردهنده به مخاطب خود می‌گوید، کاری که می‌گویم را باید انجام دهی و اگر انجام ندهی، تو را می‌زنم و می‌کشم. اما در قدرت پاداش دهنده به مخاطب خود می‌گوید، این کار را انجام بده، اگر انجام ندهی که هیچ ولی اگر انجام دادی این پاداش را به تو می‌دهم. یعنی شما اگر می‌خواهید فرزندان قدرت کیفردهنده را پیدا کنید، همان برده‌دار و رعیت و ارباب هستند یا می‌توان سیر با سینیور را گفت. اینها گروه‌هایی هستند که در دوره قدرت کیفردهنده مطرح بودند. اما وقتی وارد قدرت پاداش دهنده می‌شویم، به طبقات جدیدی می‌رسیم که یکی می‌شود کارمند و دیگری می‌شود کارفرما. یکی می‌شود کارمند و دیگری می‌شود رئیس. فرقی این گروه با آن گروه چیست؟ در برده‌داری و سیر و سینیور نمی‌آید. کار نمی‌کرد، کشته می‌شد. اگر رعیت کار نمی‌کرد هم ارباب به او غذا نمی‌داد. اما در حوزه کارگری و کارفرمایی این‌گونه نیست. اگر کارگر کار نکند، کسی او را شکنجه نمی‌دهد اما در ازای کاری که می‌کند از کارفرما حقوق می‌گیرد. همانطور که کارمند هم از رئیس حقوق می‌گیرد. اینها اجزای تشکیل دهنده این سیستم جدید هستند که به جای اعمال قدرت کیفردهنده از قدرت پاداش دهنده استفاده می‌کنند و سیستمشان به پیش می‌رود. بعد از این دوره، دوره‌ای داریم که دیگر پاداش هم عمل نمی‌کند. علم عمل نکردن‌ها به موضوع جامعه شناختی برمی‌گردد که تحلیل آن که چطور می‌شود یک گفتمان تغییر می‌کند را به یک فرصت دیگر موکول می‌کنم. منتها آنچه الان مهم این است، اینکه همانطور که قدرت کیفردهنده الان اشباع می‌شود و تبدیل به قدرت پاداش دهنده می‌شود، قدرت پاداش دهنده هم در جایی اشباع می‌شود و قدرتی به نام اقتاع حاصل می‌شود. قدرت کیفردهنده به مخاطب می‌گفت، اگر کاری که گفتم را انجام دادی که هیچ و اگر انجام ندهی کیفرت می‌دهم، شلاق می‌زنم و تو را می‌کشم. قدرتی پاداش‌دهنده برعکس می‌گفت، اگر کاری را که گفتیم انجام دهی به تو پاداش می‌دهم. پاداش به شکل حقوق و دستمزد خود را نشان می‌داد. اما قدرت اغناء به

نمی‌توان نادیده گرفت. بازاریان به حدی کمک مالی و معنوی داشتند و به‌گونه‌ای قرار بر همکاری و یاری رساندن مبارزین داشتند که امام خمینی بازار اسلامی را باوایی ستبر برای انقلاب اسلامی نامیدند تا بر اثر حضور بازاریان در نهضت صحه بگذارند.

■ **بازار بعد از انقلاب چه نوع رابطه و همکاری‌ای با نظام داشت و دارد؟**

بازارهای اسلامی، علی‌رغم فشارهای اقتصادی برخاسته از سیاست‌های غلط چپ‌ها و غرب‌گرایان، دنیاطلبان، قدرت‌پرستان، باندهای فساد و همچنین جناح‌هایی که حالا دست‌خشان برای افکار عمومی رو شده است و البته علی‌رغم تحریم‌های ظالمانه غرب، بازم کملا استوار و محکم ایستادند و توطئه‌های فتنه‌گران برای انصخاب و اغتشاش و فشار برای سخت کردن اوضاع اقتصادی مردم برای ریختن به خیابان‌ها را خنثی کرده‌اند و از حالا به‌بعد هر اتفاقی هم بیفتد، همچون این ۴ دهه استوار و مقاوم خواهند ماند.

■ **موتلفه‌های بازار چه نوع فعالیت‌هایی را پیگیری می‌کردند؟**

بخش بازاریان موتلفه اسلامی، در کنار سایر بخش‌های فرهنگی، کارمندی، کارگری و کشاورزی و البته دانشگاهی موتلفه، خدمات بسیاری به انقلاب، مردم و امام خمینی داشته و انواع فعالیت‌های مبارزاتی- فرهنگی- سیاسی و اجتماعی و خدمات‌آمداری را فدایکاره و صادقانه تقدیم کردند و نام شهدای بازاری موتلفه از ستارگان آسمان بر نور ایران ثبت رسیده‌است.
■ **موتلفه‌های های بازار با سایر بازاریان اختلاف**



طبعاً بازار و بازاریان متناسب با روز و حتی دهه پنجم نظام جمهوری‌اسلامی را اقتضه دارد که در این زمینه اقدامات بسطیر خوبی صورت گرفته است.

■ **آیا می‌توان گفت بازاریان قدیم نسبت به بازاریان امروز متدین‌تر بودند؟**

بازار هم مثل نقاط محوری کشور و جامعه ایرانی، همه نوع افراد را در خود جای داده است. از مقدس‌ها و متدینین و افراد عادی و غیرمنه‌بی‌ها و... و معیاری هم نیست که

دین و تدین افراد در ترازو گذاشته شود که کدام یک دین‌دار‌تر از دیگری است و اصلا چه نیازی به این پرسش‌ها

است. ما ملتی مسلمان و قوی هستیم که به برکت اسلام آزاد و مستقل شده و نظامی مردم‌سالار داریم که بای، آن را تکامل ببخشیم که انشاءالله همه باهم، با رهبری مدیران امام‌خامن‌های شاهد چنین تکامل و تمدن‌نوین اسلامی و حل مشکلات خواهیم بود.

مهم را برقرار کند.

همچنین اگر بخواهیم، تاثیر بازار را در عصر جدید بررسی کنیم باید گفت، بازاری‌ها در دوره‌ای که منزلت، قدرت و ثروت داشتند، در نظام سیاسی بحران و تضاد وجود نداشت. زمانی که منزلت، قدرت و ثروت از هم جدا شده و تجمع و تراکم پیدا می‌کند، مساله بحران و ضرورت تحقیق در جامعه اجتماعی خودش را به رخ می‌کشد. بازار امروز در واقع دیگر آن نقش تاریخی را نمی‌تواند ایفا کند. مثلاً رابطه بازار با دولت پیش از سال ۵۷ خیلی رابطه بدی است، اما بعد از انقلاب بخشی از بازار به دولت منت است و شاهد شکل‌گیری دو گروه از دل بازار هستیم که هر یک کار ویژه‌های خاص خودش را دارند. از سویی دیگر بازار را به عنوان یکی از دو رکن نظام در کنار روحانیون می‌بینیم. نکته خیلی مهم این است، ارکانی در نظام سیاسی وجود دارد که قدیم‌ها می‌گفتند، نهادهای قدیمی و ماندگار باعث پایداری نظام سیاسی است. در واقع در کنار دین و دولت، دارای هم برای ثبات نقش ویژه‌ای دارد. همچنین اگر بخواهیم نهاد چند صد سال سابقه دارد، نهاد دولت چند هزار سال سابقه دارد، اما نهاد بازار با اینکه سابقه خیلی طولانی‌ای ندارد، نسبت به نهادهای کهن بسیار تاثیرگذار بوده است و بازاری‌ها مجموعه‌ای بر اهمیت و ارزشمند به شمار می‌رفتند. امروز بازار در واقع در حال بازتولید شدن به بازار مدرن است که در واقع بازار مدرن را می‌توان تحقق نوعی دیگر از توسعه اقتصادی بدانیم.

امروز مشاهده می‌شود، با ایجاد «مال‌های بزرگ که یکی از بزرگترین مال‌های خاورمیانه در شهر تهران وجود دارد، باعث شده تا بتوان گفت، این نوع تحرکات به معنی نزدیک شدن ارکان منزلت، قدرت و ثروت در نظام سیاسی است تا بازار سنتی دیگر نتواند به مانند گذشته اعمال نظر کند و دیگر انحصار تداخل عرضه و تقاضا را به عهده ندارد. به‌ویژه اینکه کارکرد جدید بازارها طوری نیست که فقط محل رودرویی خریداران و فروشندگان باشد و خودش به یکی از تولیدکنندگان تبدیل شده است. یعنی بازار فقط کارش پاسخگویی به نیازها نیست. بنابراین محوریت بازار نه تنها حفظ شده، بلکه به شکلی دیگر بازتولید شده است. درباره خود بازاری‌ها، تا موقعی که آنها را جزئی از طبقه متوسط می‌شناختیم، کارکردشان در راستای توسعه کشور تعریف می‌شود. همانطور که در کشورهای توسعه‌یافته جهان برای تحقق توسعه و حفظ دستاوردها سعی می‌کنند، طبقه متوسط خودشان را تقویت کرده و گسترش بدهند. به عنوان آلمان در یک مقطع زمانی در تولید اتومبیل دارای وجهه تکنولوژی پیشرفته و بالایی است و حتی از برخی از کمپانی‌های اتومبیل به عنوان نماد توسعه و پیشرفت خودشان یاد می‌کنند. در این کشور در یک مقطعی آنها‌یک که کم‌درآمد بودند، می‌فکند و «فولکس‌واگن» می‌خریدند و قشر در‌امندار اقدام به خرید بنز می‌خردند که چنین حالتی موجب شد، دولت متوجه شود که طبقه متوسط خودرویی ندارد. به این معنی که آنها به نیازهای طبقه متوسط به عنوان خواست‌های فرهنگی- اجتماعی هم نگاه می‌انداختند و به همین دلیل فولکس‌واگن را خودرویی نمی‌دانستند که بتواند آنها را نمایندگی کند یا مایه اعتبارشان باشد. به این دلیل، دولت آلمان در دستور کار یکی از شرکت‌های خودروسازی قرار می‌دهد که بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته خودرویی را بسازند تا قیمت تمام‌شدنشان از بنز خیلی پایین‌تر باشد و توانایی و کارایی‌اش از فولکس‌واگن بیشتر باشد و حتی تاکید کردند، در موقع شروع رقابت، از بنز جلو بزند تا وقتی یک جوان مغروری که پشت رل نشسته است، بتواند بنز را در کورس بگیرد. این دستور جامع- شناختی پاسخ گرفت و خودروی بی‌ام‌و از کارخانه بیرون آمد و در دسترس طبقه متوسط قرار گرفت که طبیعتاً مشخصات خودروی طبقه متوسط را داشت تا آنها هم از اتومبیل سواری لذت ببرند. این نشان می‌دهد، طبقه متوسط حضور امیدوارکننده طبقه متوسط است. در ایران طبقه متوسط را می‌توان با بازار تجربه کرد. یعنی بازار اهمیت بسیار بیشتری در ایجاد طبقه متوسط وهمچنین تحولات سیاسی-اجتماعی نقشی منحصr به‌رقد داشت. مثلاً سرعت تحولات را اگر به سه دسته کوتاه-مدت، میان‌مدت و بلندمدت تقسیم کنیم، در واقع تحولات کوتاهمدت تحول‌هایی هستند که با سقوط حکومت یا کودتای نظامی یا ... شکل می‌گیرند. برای تحولات میان‌مدت برای اینکه پول توی جیب آدم‌ها را زیاد کنید، برای بلندمدت باید فرهنگ‌سازی شود که زمان بسیار بسیار بیشتری را می‌طلبد تا بتوانید باورهای آنها را دگرگون کنید. اینها که بعد از آن می‌رسیم به تغییرات باید وضعیتی ایجاد کنیم که به سمت تغییرهای میان‌مدت برویم تا یک‌شبه بخشی از مطالبات‌مان را تحقق ببخشیم. برای همین است، محور توسعه در بازار و ایجاد تحول در بازار دیده می‌شود. برای همین است، تاسیس و اادانازی‌های مال‌ها را با انگیزه‌های مختلف در دستور کار خود قرار می‌دهند. نتیجه‌گیری این است، برای ایجاد تحول اقتصادی، اولویت در تحول ساختاری بازار است. همچنین اگر نقش بازار در تاریخ اجتماعی را بخواهیم بررسی کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که بازار تقریباً در تحولات اجتماعی‌ای چون مشروطه و انقلاب اسلامی و سایر اتفاقات نقش اول را باید به بازار اختصاص داد. اما بعد از استقرار جمهوری‌اسلامی کم‌کم سهم بازار و قدرت بازار در اعمال حاکمیت و ایجاد تغییر به شدت کاهش یافته است. اما همواره بازار و فضاهای اقتصادی مرتبط با بازار، مجموعه‌ای از شرایط مناسب را برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر توسعه ملی را دارد.